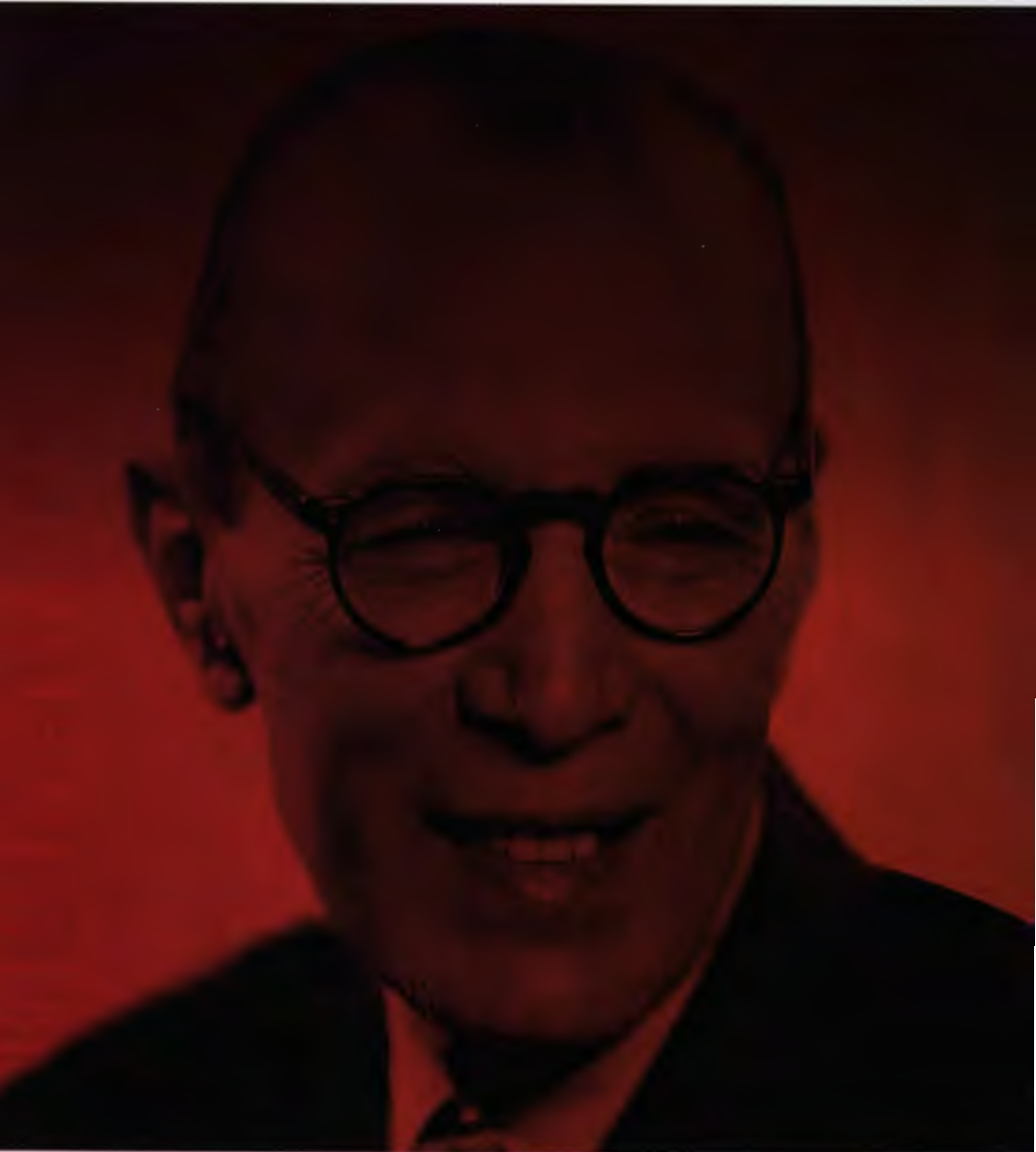




انجمن آثار و معارف اسلامی
۱۷۶

زندگی نامه و خدمات
علمی و فرهنگی
محمد تقی بهار (ملک الشعراء)



بسم الله الرحمن الرحيم

زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی ملک‌الشعراى بهار

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

عنوان و نام پدیدآور	: زندگی‌نامه و خدمات فرهنگی و اجتماعی ملک‌الشعراى بهار/ زیر نظر کاوه خورابه؛ تهیه و تنظیم مقالات نادره جلالی؛ ویراستار ولی‌الله محمدی.
مشخصات نشر	: تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۰ ص.
فروست	: سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ ۶۴۹
شابک	: مجموعه زندگی‌نامه‌ها؛ [ج.] ۱۷۶. 978-964-528-263-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: بهار، محمد تقی، ۱۲۶۵ - ۱۳۳۰.
موضوع	: سرگذشتنامه -- مجموعه‌ها
موضوع	: Biography -- Collections
شناسه افزوده	: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
شناسه افزوده	: Anjuman-i Asar va Mafakhir-i Farhangi
شناسه افزوده	: مجموعه زندگی‌نامه‌ها؛ [ج.] ۱۷۶.
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ج. ۱۷۶ م ۳/۲۸ ف/۳ CT۲۰۳
رده بندی دیویی	: ۲/۹۲۰.
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۲۹۷۵۲۳

زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی

ملک الشعراى بهار



تهران - ۱۳۹۷

سلسله انتشارات و مجموعه زندگی نامه‌ها

۶۴۹/۱۷۶

زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی

ملک الشعراى بهار

زیر نظر: کاوه خورابه

• تهیه و تنظیم مقالات: دکتر نادره جلالی • ویراستار: ولی الله محمدی	
• ناظر فنی چاپ: کیانوش بیرون وند • حروفچین: منور سعیدی، طبیه باقری، زیبا آقا زاده	
• صفحه آرا: علی اکبر حکم آبادی • طراح جلد: گلی شهبازی	
• نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷ • لیتوگرافی چاپ و صحافی: فرشویه	
• قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان • شابک: ۷-۲۶۳-۵۲۸-۹۶۴-۹۷۸	
• شمارگان: ۵۰۰ جلد • همه حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است.	



خیابان ولی عصر (عج)، پل امیر بهادر، خیابان سر لشکر بشیری،
شماره ۷۱، تلفن: ۵۵۳۷۴۵۳۱-۳

دفتر فروش: خیابان انقلاب، بین خیابان ابوریحان و خیابان دانشگاه،
ساختمان فروردین، طبقه چهارم، واحد ۱۴، تلفن: ۶۶۴۰۹۱۰۱

www.anjom.ir

Info@anjom.ir

فهرست مطالب

- بهار شعر ایران ۷
دکتر حسن بلخاری قهی
- زندگی نوبهار ۱۷
دکتر احمد تمیم‌داری
- بررسی تنوع مضامین در قصاید بهار و دلایل آن ۳۳
دکتر سلمان ساکت
- بازنمایی امور اجتماعی - سیاسی در قصاید ملک‌الشعرای بهار ۷۷
دکتر امید علی احمدی - فرزانه کفاشی
- اشعار سیاسی بهار از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی براساس نظریهٔ
لیوون ۱۳۳
دکتر حسین آریان - دکتر ماندانا علیمی - دکتر ذکیه رشیدآبادی - طاهره
موسی‌زاده آهق
- ملک‌الشعرای بهار، پروین اعتصامی و سیدضیاءالدین طباطبایی ۱۶۳
نصرالله حدادی
- مفهوم شهر در قصاید بهار ۱۹۱
عادله آقایی

- ۲۱۱ ملک‌الشعراى بهار و ترجمهٔ متن‌هاى پهلوى
دکتر عسکر بهرامى
- ۲۲۵ نگاهى دوباره به قصايد «دماونديه»
دکتر محمدرضا حاجى آقابابايى
- ۲۳۷ سروده‌اى از سال‌هاى جوانى بهار
الوند بهارى
- ۲۴۵ بهار و نقد ادبى
دکتر حبيب‌الله عباسى - نعيمه غفارپور صديقى
- ۲۷۵ سال‌شمار
- ۲۸۳ تصاوير
- ۳۰۵ تاريخ بزرگداشت‌ها و فهرست زندگى‌نامه‌ها

بهار شعر ایران

دکتر حسن بلخاری قهی*

عمر شصت و پنج ساله مرحوم محمدتقی بهار (۱۲۶۵ - ۱۳۳۰ ش)، مصادف با یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین ادوار حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این مرز و بوم بود. سال‌هایی که حکومت یکصد و سی ساله قاجار، آخرین نفس‌های خود را می‌کشید و در گذار انتقال به دوران پهلوی دوره‌ایبرزخی را تجربه می‌کرد. دوره‌ای که ورود مذهب به سطح جامعه و حرکت‌برانگیزی آن، ظهور می‌یابد و غرب آرام آرام برای کشور یک مسئله می‌شود؛ زیرا اروپا از منظر شاهان قاجار، تعریفی خاص، بسیار سطحی و نازل دارد و محلی برای تفریح و دیدن پیشرفت‌های اروپاییان است که اثرات آن در صورت و سیرت و آرزوی فرنگی شدن به صورت محسوس در زیر پوست عشرت‌طلبان قاجاری می‌دود و برای هنرمندان و اندیشمندان نیز نطفه اصلی نوعی بازنگری در سنت و تاریخ اندیشه است. از این رو، دوره‌ای که بهار در متن آن متولد می‌شود، رشد می‌کند و به بار می‌نشیند، وی را به شدت درگیر جریانات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌سازد تا

* استاد دانشگاه تهران و رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

آنجا که با کودتای رضاخانی، در کنار بزرگانی چون شهید حسن مدرس به مبارزه با استبداد می‌پردازد، تبعید و زندانی می‌شود و البته در نهایت با برگزیدن فعالیت‌های علمی و ادبی، تسلیم سرنوشت خویش می‌گردد تا سال‌های پایانی عمر، که عهده‌دار تصدی مقام وزارت فرهنگ کابینه قوام‌السلطنه می‌شود.

حقیقتاً بازخوانی تاریخ حیات بهار، بازخوانی تاریخ یکی از پیچیده‌ترین ادوار سیاسی ایران است. اما این بازخوانی، تمامی وجوه و ابعاد این تاریخ را دربر نمی‌گیرد، زیرا مبارزانی دیگر با جهت‌گیری‌ها و شیوه‌های مختلف هم در این میدان مبارزه حضور دارند که گرچه در برهه‌ای همراه با بهار بودند، اما به حکومت مستبد رضاخان تسلیم نشدند و مرگی مظلومانه و غریبانه را در کاشمر پذیرا شدند. البته ناگفته نماند بسیاری از جوانب دیگر تاریخ معاصر ایران که مغفول مانده است باید مورد بررسی، تحلیل و پژوهش قرار بگیرد.

بی‌شک در ساحت ادبیات و فرهنگ ایران معاصر، به‌ویژه در زمینه ارتباط با ادبیات کهن و پربار ما که بزرگان و سرآمدانی همچون سنایی و عطار بر تارک آن می‌درخشند، در عرصه شعر و آن هم قصیده، بهار قطعاً نقطه عطفی در تاریخ ادبیات ایران محسوب می‌شود.

در متن این کتاب، بر این وجه شخصیت برجسته بهار و نیز دیگر وجوه ارزشی حیات او کاملاً پرداخته شده است؛ اما نگارنده بر آن است تا وجه دیگری از حیات ادبی او را برجسته سازد که کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

بهار در ۱۸ سالگی به مقام ملک‌الشعرایی آستان قدس رضوی می‌رسد و از آنجا که شوق وافر و مبنای دینی و منزلت والای حضرت ختمی

مرتب (ص) و ائمه معصومین (ع) به ویژه ثامن الحجج و آستان مقدس آن
 حضرت دارد، اشعاری نغز در این باره می‌سراید:
 تبارک‌الله از این فرخ آستان که بود
 به پاس درگه او آسمان همیشه مقیم
 حریم زاده موسی که چون دم عیسی
 روان فزاید خاک درش به عظم رمیم
 به چشم زایر این آستان بود روشن
 هر آنچه گفت به سینا نهان ز چشم کلیم
 به است فرش ره او ز مرغزار بهشت
 چنان که خاک در او ز کوثر و تسنیم
 چراست پشت سپهر اینچنین خمیده و گوژ
 اگر ندارد پیش درش سر تعظیم
 زهی بر آنکه نهد روی دل بر این درگاه
 برای صافی و دین درست و قلب سلیم
 چنان که خادم این در، بهار مدح‌سرای
 که هست بنده دیرین و خاکسار قدیم
 کمینه چاکر این آستان که از ره عجز
 نهاده است به کوی رضا سر تسلیم
 مگر ستاند روزی ز خاک این درگاه
 دوی جان علیل و شفای قلب سقیم
 ز پاک یزدان بادا دمی هزار درود
 بر این حریم و خداوند این خجسته حریم
 (بهار، ۱۳۴۵: ۴۷۷-۴۷۸)

از این رو باید گفت مراثی مذهبی بهار جلوه‌گر ایمان مستحکم اوست و بیانگر اخلاص او در عبودیت باری تعالی است، تا آنجا که ابیات فوق‌العاده گرانقدری در اثبات وجود خدا، در جواب نورسیده خودباخته‌ای به نام بهمنی شیرازی می‌سراید که در اشعاری با عنوان «محاكمه با خدا» از حضرت حق گله‌های بسیار کرده بود. اگرچه «بیچون‌نامه» ای توسط شخصی با نام سرهنگ اختر در جواب به بهمنی سروده می‌شود ولی چون به نظر استاد بهار می‌رسد، خود در ادامه کار وی، ابیاتی را با عنوان «در اثبات خدا» می‌سراید و می‌نگارد.

ابیاتی که نگارنده مایل است در طلیعه این کتاب آورده شود تا برات و جواز بخشایش و مغفرت استاد محمدتقی بهار در سرا و جایگاه دیگری باشد که در آن، همه به نگاه و نظر رحمت و مغفرت حضرت حق چه بسیار نیازمند و محتاجیم:

من و تو اخگرا! همسایگانیم

عجب نبود که با هم رایگانیم

اگرچه من ضعیفی بی‌پناهم

ولی همسایه سرهنگ شاهم

شنیدم گفتی ای سرهنگ عیار

در اثبات خدا یک رشته اشعار

نهادی نام «بیچون‌نامه» آن را

به بیچون‌نامه چون بستی میان را

به کشف مشکلی همت نمودی

دلیری کردی و جرأت نمودی

حکیمان را در این ره پا به سنگست

درین وادی کمیت جمله لنگست

اگر در قعر دریا ماهی‌ای کور
برون آرد سر از این معدن نور
بشر هم پی برد از سر بیچون
تعالی وصفه عمّا یقولون
بدان حضرت نظرگاهی نداریم
که غیر از پنج حس راهی نداریم
برون زین پنج ره، ره نیست جان را
که جان زین پنجره بیند جهان را
حواس پنج اگر پنجاه بودی
خرد را کی به صانع راه بودی
خرد را پالهنک از این حواس است
ولی صانع برون از این قیاس است
گرفتم آنکه صانع را توان دید
چو در اکناف عالم نور خورشید
چو او را نیست ضدی، کی هویداست
که هر چیزی به ضد خویش پیداست
اگر ظلمت نبودی در زمانه
ندادی کس ز نور خور نشانه
خدا دریا و این عالم سبویست
سبو را ز آب دریا آبرویست
کجا ظرفی که پر از آب دریاست
خبردار از تک و پایاب دریاست

خرد را اندرین ره دستگه نیست
 به حق جز با شهود و کشف ره نیست
 رهی هر چند در اثبات رب نه
 ولی اثبات رب چندان عجب نه
 عجب دارم من از آن پاک رایی
 که گوید نیست عالم را خدایی
 چو در اثبات او عقل است ابتر
 به نزد عقل انکارش عجب‌تر
 امید و بیم و وهم و فکر و پندار
 خرد را می‌کشد تا عرش دادار
 گذر سازد به‌چندین ریسمان‌ها
 خرد، چون بندباز از آسمان‌ها
 بدین اسباب‌های بی‌کرانه
 دهد از هستیش لختی نشانه
 چو والاتر بود از وهم، جاهش
 خرد عاجز شود با دستگاهش
 چو زین اسباب اثباتش نشاید
 به نفیش بیش از این اسباب باید
 دگر کاثبات حق اصلی قدیم است
 بشر را این طریقی مستقیم است

جهان را یاد حق ذکری مدید است
ولی انکار حق فکری جدید است
طبیعی نفی صانع را ندا کرد
دلیل او را سزد کاین ادعا کرد
وجود اصل است و اعدامند موهوم
که عالم را وجودی هست معلوم
چو بر هستی است اصل کار عالم
وجود حق بود اصلی مسلم
چو هستی هست خود اصل اصیلی
موحد را نمی‌باید دلیلی
ولی آن کو به صانع نیست قائل
براهین باید او را و دلایل
خرد چون مانده عاجز در صفاتش
تو عاجزتر شوی در نفی ذاتش
به بودش گشته حیران فکر دانا
به نابودیش چون گردی توانا؟
بود اثبات واجب صعب و دشوار
ولی صد ره از آن مشکل‌تر، انکار
گرفتم آنکه نابودی اصیل است
جهان بوده بر بودش دلیل است
و گر نادیدنش را می‌خلافی
نبودن را ندیدن نیست کافی

بسا محسوس، کان وهم است و بازی
 بسا دیدن که کذبست و مجازی
 چه بسا اشیاء نامرئی و پنهان
 که موجودند نزد عقل و برهان
 شدی قائل به یک برهان ساده
 که باشد شمس گردان ایستاده
 به برهانی دگر گشتی تو خستو
 که باشد خاک ساکن در تکاپو
 ز حس بر بند لب برهان فراز آر
 که بی برهان نیاید راست انکار
 و گر در نفی حق برهان نداری
 سزد که ایمان به اصل کلی آری
 و گر وجدانت نپذیرد شهاده
 برو در سایه فکر و اراده
 که راهی رفته و رایى رزین است
 صلاح مردم دنیى درین است
 خدا مرهم نه دل‌های خسته است
 تسلی‌بخش دل‌های شکسته است
 خدا سرمایه امید و بیم است
 که اصلاحات را رکنی قویم است

خدا تعدیل فرمای هوس هاست
خدا اندازه بخش ملتمس هاست
بدی کز آز و کین قوت پذیرد
صدی هشتاد ازو تخفیف گیرد
خدا باشد به نزد اهل بینش
نگهدار نظام آفرینش
دگر چون مردم گیتی ز آغاز
به ذات صانعی گشته هم آواز
ازویش بیم، وقت زشتکاری
بدو در نیکی اش امیدواری
اگر گویش عالم را خدا نیست
سرانجام وجودت جز فنا نیست
شکسته دل شود گر راستکار است
درنده تر شود گر بد شعار است
تو خواهش عجز خوان، خواهی سعادت
بشر با ذکر یزدان کرده عادت
اگر گوید به ترک عادت خویش
بلای اجتماعی آیدش پیش
کنون کز صد، نود یزدان ستایند
بدین یزدان ستایی، دیو راینند
معاذالله کزین یزدان ستایی
برون آیند و این بیم خدایی

بشر با قید دین دزدند و کافر
چو قید دین زند، الله اکبر!
تو را گر حس همدردیست با خلق
مهل تا افکند دور این کهن دلق
مشو منکر بهل انکار منکر
ز من گر نشنوی، بشنو ز (اخگر)
که بیچون‌نامه‌اش قولی صوابست
از آتش خاسته است اما چو آبست
(همان: ۱۹۱-۱۹۴)

در پایان، از تمامی عزیزان گرانقدری که با نگارش مقاله، زمینه تدوین چنین مجموعه شایسته‌ای را در بزرگداشت مرحوم بهار فراهم آوردند بسیار سپاسگزارم و از خداوند متعال خواستارم روح مرحوم استاد محمدتقی بهار را با روح مبارزان راه شرف، انسانیت و آزادی قرین گرداند.

منبع

بهار، محمدتقی (۱۳۴۵). دیوان/ اشعار، تهران: امیرکبیر.

زندگی نوبهار

دکتر احمد تمیم‌داری*

محمدتقی، معروف به ملک‌الشعرای بهار (۱۳۳۰- ۱۲۶۶ ش / ۱۹۵۰-۱۸۸۶م) شاعر، نویسنده و محقق ایرانی در جهان فارسی‌زبان است. زندگانی بهار معرف شخصیتی نمونه و روشنفکر ایرانی است که در نیمه دوم قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم هجری شمسی مقارن با نیمه اول قرن بیستم میلادی، در ایران ظهور کرده است.

پدر او محمدکاظم صبوری شاعر و هنرمند نقاش مینیاتور بود. بهار فنون ادبی و دانش‌های اسلامی را در نزد بزرگ‌ترین استادان همچون ادیب نیشابوری به دقت فراگرفت و از دوران نوجوانی استعداد شاعری خویش را به ظهور و بروز رسانید. اگر چه پدرش او را به شدت توصیه می‌کرد که به تجارت یا بازرگانی اشتغال یابد ولی او همچنان به ادامه شعر و شاعری اصرار داشت و به‌زودی نام‌آور گردید و عنوان «ملک‌الشعرایی» به دست آورد، به افتخار جلوس مظفرالدین شاه قاجار قصیده سرود و

*عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

آخرین شاعری بود که عنوان مذکور را کسب کرد. در دوران بحرانی ایران، به عضویت حزب دموکرات درآمد و علی‌رغم شاعری درباره تمایلات ادبی - سیاسی خود را در نوشته‌هایش نشان داد. سردبیری روزنامه نوبهار را پذیرا شد. در سال ۱۲۹۶ش/ ۱۹۱۷م انجمن ادبی دانشکده را تأسیس کرد و نظریات ادبی خویش را مکتوب می‌ساخت. در چندین دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی دست یافت و پس از آنکه رضاشاه پهلوی (۱۲۵۶-۱۳۲۹ش) به قدرت رسید، از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی کناره گرفت و زندگانی خود را به تحقیقات ادبی و تدریس در دانشگاه تهران وقف کرد. بهار به عنوان بزرگ‌ترین شاعر کلاسیک در چند قرن گذشته به شمار می‌آید. او قالب‌های شعری سبک خراسانی را همچون مسقط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند و دیگر انواع شعر و شاعری را احیا کرد. اهمیت و شهرت ملک‌الشعرا به توانایی کم‌نظیر او مربوط می‌شد که مضمون‌های جدید سیاسی و اجتماعی را در قالب‌های شعری قدیم می‌سرایید. اشعار غنایی و حتی تصنیف‌هایش محبوبیت خاص و عام یافت. دیوان بهار در دو مجلد در سال‌های ۱۳۳۵ش/ ۷-۱۹۵۶م در تهران انتشار یافت، اما کار بهار تنها به شعر و شاعری منحصر نبود، بلکه به عنوان دانشمند نیز مشهور شد. مطالعات او در فارسی میانه (Middle Persian) زیر نظر پروفیسور هرتسفلد^۱ (۱۸۷۹-۱۹۴۸م)، باستان‌شناس، شرق‌شناس و ایران‌شناس معروف حائز توجه و اهمیت است. حاصل پژوهش او، دو متن از فارسی میانه بود که به فارسی جدید ترجمه کرد. بهار همچنین با توجه به نظریات تکاملی جدید، سه مجلد کتاب با عنوان سبک‌شناسی یا تاریخ تحول نثر فارسی تألیف نمود. این تحقیق که تحولات نثر فارسی دری را در شش دوره دربر می‌گیرد و از روزگار او تا دوران معاصر مهم‌ترین کتاب

سبک‌شناسی درسی به شمار می‌آید. همچنین در یک مجلد با حجم کم به اشعار هجایی و مانوی پیش از فارسی دری پرداخت ولی متأسفانه این اثر بنا به علل گوناگون کامل نشد. دیوان اشعار، سبک‌شناسی، تاریخ احزاب، سیاسی در ایران، تصحیح برخی متون کهن فارسی مانند تاریخ سیستان، مجمل‌التواریخ و القصص، تاریخ بلعمی انتشار روزنامه و مجلات ادبی... همه و همه از آثار ملک‌الشعراى بهار، شناخته می‌شود.

قدرت شاعری

تحصیلات بهار از هیجده سالگی پس از مرگ پدرش آغاز شد، معاندان به اذیت و آزار او می‌پرداختند و شایع کردند که کس دیگری برای او شعر می‌سراید. از این رو، او را وادار به بدیهه‌سرایی کردند و سرودن رباعیات به طریق جمع‌الاضداد را که آزمون سخت و دشواری بود به وی تحمیل نمودند و در محفلی از او خواستند که با چهار لفظ «تسبیح، چراغ، نمک و چنار» در چهار مصراع به وزن رباعی شعر بسراید. بهار پس از چند لحظه این رباعی را ساخت:

با خرقه و تسبیح مرا دید چو یار
گفتا ز چراغ زهد ناید انوار
کس شهد ندیده است در کان نمک
کس میوه نچیده است از شاخ چنار!

باز هم چهار واژه دیگر: خروس، انگور، درفش و سنگ:
برخاست خروس صبح، برخیز ای دوست
خونِ دل انگور فکن در رگ و پوست
عشق من و تو قصهٔ مشّت است و درفش
جور تو و دل صحبت سنگ است و سیبوست